

جمهوری اسلامی ایران

# خبرنامه

شماره ۱۲۲ تاریخ ۱۵ / ۳ / ۶۰

## استخاره برای گشتار خلق کرد

اکنون دیگر جنایات و لشکرکشیهای رژیم به کردستان آنچنان افشای شده است که حتی بعضی از محافظان نزدیک به رژیم نیز به بیان گوشه‌هایی از آن دست میزنند. آنچه که در زیر میخوانید از مقاله‌ی تحت عنوان " گوشه‌هایی از وقایع پشت پرده جنگ کردستان " بقلم استاد علی شهبازی برداشته شده است. این مقاله را سا زمان مجاهدین خلق در شماره ۱۲۰ مجاهدین با پ رسانیده است " مسئله کردستان : همین دفعه اخیر که هنوز جنگ ایران و عراق شروع شده بود، میگفتند عراق در مرزهاست و میزند، و لشکرا ز طرف سنندج حرکت کرده از سنندج برود، به اسم اینکه میخواهیم برویم مرز عراق و اینها را هم دیدید که گذاشتند و جبهه شد و... و اولتیماتوم داده شد... حال اقصیه رفتن اینها چه بود؟... همین سران بقیه در صفحه ۲

- پیشمرگان کومه له طی عملیات جسورانه‌ای قسمتهائی از شهر مها باد را به کنترل خود در آوردند و نیروهای دشمن را به کمین انداختند.
- در این عملیات : **بازاری کومه له**
- بیش از ۱۰ نفر از نیروهای دشمن به هلاکت رسیدند و یک افسر ارتش با سارت درآمد.
- مقداری از سلاح و مهمات دشمن بدست پیشمرگان افتاد.

این نبرد از ساعت ۷ تا ۹ شب ادامه پیدا میکند. در جریان درگیری مواضع پیشمرگان توسط ارتشستان مستقر در تپه " داتا مجید " بشدت با سلاحهای سبک و سنگین کوبیده میشود ولی پیشمرگان با شجاعت کم نظیری در حالیکه مردم بقیه در صفحه ۲

۶۰/۳/۱۳ در این روز دسته از پیشمرگان کومه له : از پیل شهید محمد حسین کریمی، پیل شهید خانه دسته همه جوار چار وارد شهر مها باد شدند. در ساعت ۷ بعد از ظهر محل های جام جم - سه آسیاب - باغ سیمه - بهر داش - خیابان پهلوی سابق و خیابان حافظ را به کنترل کامل خود در آوردند و به کمین نیروهای دشمن نشستند. در همین اثناء مزدوران رژیم که سوار بر ماشین در داخل شهر به گشت زنی میپرداختند، به کمین پیشمرگان انقلابی کومه له می افتند و زیر آتش سلاحهای آنان قرار میگیرند.

● پیشمرگان کومه له طی دو نبرد قهرص نیروهای دشمن را بر روستای گه و یله (مرویوان) درهم شکستند.

■ در نتیجه این نبردها پیشمرگان حزب دموکرات از محاصره و تعقیب نیروهای سرکوبگر نجات یافتند.

دوین مذاکرات کومه له و حزب دموکرات پس از درگیریهای اخیر.

در صفحه ۳

**بسیه - استخاره برای ...**

سران حزب جمهوری که الان دارند مینویسند که این حزب تشکیل شده برای تداوم و تضمین انتسلااب و تکامل انقلاب و از این دروغها ... آن چند نفر را شان منزل آیت الله خمینی جمع شدند که بله به اسم اینکه الان عراق در مرزاست و حال میخوایم به مرز برویم، حساب این گروهها و کومه‌له ... را برای آخرین بار برسیم و کار اینها تمام بشود ...

اینها همانجا استخاره کردند، قبل از اینکه به امام بگویند اینها استخاره کردند که اینکارا بکنند یا نه. استخاره هم خوب آمد و از آقای خمینی هم اجازه گرفتند و اینکارا هم کردند و بسا استخاره اینهمه در کردستان گشتار کردند، که بعدا این گشتار کذا یسی پیش آمد، که از سنندج و از جاهای دیگر بمن گفتند که ما زیر آواریم و داریم چه می‌شویم ...

همچنانکه ملاحظه میکنید، گوشه‌هایی از برناممه لشکرکشی رژیم به کردستان در عیارات فوق نشان داده میشود. و این مطالب پس از گذشت بیش از یکسال از یورش رژیم به کردستان در شریسه، مجاهدین پ میروند. در حالیکه ما قبل از آغاز حمله ددمتشان رژیم، درست هنگامیکه راهبه جنگی رژیم به بهانه دفاع از مرزها، بسمت کردستان حرکت میکرد به همه خلقهای ایران و نیروهای انقلابی هشدار دادیم.

ما در اعلامیه‌ها، نشریات و سخنرانیها نقلوا انتقالات نظامی رژیم را بعنوان پیش درآمدهای یسن تهاجم افشاء میکردیم. و خطر یورش قریب الوقوع را به کردستان، هشدار میدادیم و از کلیه نیروهای انقلابی میخواستیم که علیه این یورش به مخالفت و اعتراض برخیزند. و نیز گفتیم و نوشتیم که این یورش ...

بنا به ماهیت ضد انقلابی رژیم - قبل از همه متوجه آن مناطقی از کردستان خواهد بود که، در آنجا ها، انقلاب دامنه دار تر و نیروهای بیگیر جنبش مقاومت برتوانترند. تحسن تاریخی و موفقیت آمیز یکماهه مردم مبارز سنندج برای اخراج پاسداران و حضور فعال و مسلط نیروهای بیگیر جنبش مقاومت، وحشت رژیم را برانگیخت تا جاکه تصمیم گرفت قهسر ضد انقلابی خود را پیش از همه بر فرق این شهر قهرمان - که بعد بصورت تل زعتر کردستان درآمد - فروریزد و این کارا کرد.

رژیم به لشکر ۲۸ سنندج اکتفا نکرد و ستون ۱۱۰۰ نفری (۸۰۰ پاسدا و ۳۰۰ ارتشی) را - بنام دروغین دفاع از مرز - از کرمانشاه روانه سنندج کرد. ابتدا با اعتراضات مسالمت آمیز دهها هزار تن از مردم سنندج روبرو شد ولی رژیم در تصمیم ضد انقلابی خود مصمم بود و بالاخره تهاجم نظامی خود را به این شهر آغاز کرد. و دیدیم که سازمانتهای بیگیر جنبش مقاومت و مردم قهرمان این شهر چگونه حماسه تاریخی مقاومت ۲۲ روزه این شهر را بوجود آوردند مادران هنگام با اعتقاد به صحت نظرات خود و با تکیه بر آگاهی و شورا انقلابی مردم سنندج مقاومت علیه یورش را تبلیغ نموده و خود فعالانه در آن شرکت کردیم، هر چند عناصرو تشکیلات فرصت طلبی بودند که همان یاوه‌های رژیم را سر میدادند و ما را متهم به جنگ افروزی میکردند.

۴۴۴

دوستان مجاهد، اینها را خوانند و دیدند با تردید آمیخته به سکوت جنایات و کشتار رژیم را در کردستان تماشا کردند. حتی گشتار مردم سنندج، بمباران روستاهای اطراف یا نه بوسیله

نایالم و ... نیز نتوانست دوستان مجاهد را تکان دهد. حال نیز که دوستان میخواستند بمسائل کردستان برخورد کنند از یکطرف جنایات بنی صدر (فرمانده کل قوا) را در کردستان فراموش میکنند و از طرف دیگر در ارزیابی اوضاع داخلی کردستان و نیروهای سیاسی به واقعیات تکیه نشموده و در این رابطه مضمون انقلابی جنبش مقاومت خلق کرد یعنی دمکراسی، حفظ و بسط آنرا ملاک برخورد خود و نیروهای سیاسی کردستان قرار نمیدهند. بدیهی است که این امر بیگیر جنبش انقلابی ایران لطمه خواهد زد. جا دارد دوستان مجاهد واقعیات و انقلابی به مسائل جنبش مقاومت خلق کرد برخورد نمایند.

**بسیه خبر مها باد**

شهرآنها را یاری میدادند و برایشان غذا، شیرینی، و نوشابه میآوردند. سرخستانه به نبرد ادامه میدادند. نظم انقلابی پیشمرگان و شهروندان آنها در همان حال که تمهین مردم شهر را برانگیخته بود، رعب و هراس در دل نیروهای دشمن افکنده بود.

در این نبرد بیش از ۱۰۰ نفر از نیروهای دشمن بهلاکت رسیدند و تعدادی نیز زخمی شدند. همچنین پیشمرگان توانستند یک دستگاه ماشین سیمرخ، یک دستگاه ماشین لندروور، ۴ قبضه ۳ و مقصدار قابل توجهی مهمات را از دشمن به غنیمت بگیرند و به همراه یک افسر ارتشی که در جریان درگیری به اسارت درآمده بود، از شهر خارج نمایند. در این عملیات به هیچیک از پیشمرگان آسیبی وارد نشد و همگی سالم به پایگاههای خود بازگشتند. در جریان این عملیات پیشمرگان مورد استقبال پر شور مردم قرار گرفتند.

## دومین مذاکرات کومه له و حزب دموکرات پس از درگیریهای اخیر

بدنیال مذاکره، نمایندگان کومه له و حزب دموکرات، در تاریخ ۶۰/۲/۹ و امضای توافقنامه‌ای مبنی بر رعایت آزادیهای دموکراتیک و عدم تعرض نظامی بیکدیگر، متاسفانه، در موارد متعددی مفاذ توافقنامه از جانب حزب دموکرات نقض شد. بخصوص با درگیری "واوان" (سردشت) و تعرض ناموفق نان به مقر مادر "سیس" عملیات توافقنامه را زیر پا نهادند، بطوریکه مذاکره مجددی برای بررسی اوضاع جاری و رسیدن به توافقات پرودا و متری ضرورت پیدا کرد. تا اینکه در تاریخ ۶۰/۳/۷ مذاکره‌ای بین نمایندگان حزب دموکرات و نمایندگان کومه له صورت گرفت. در این مذاکره طرفین به بحث در مورد رویدادهای اخیر پرداختند و بر اهمیت جنبش مقاومت و ضرورت حفظ دموکراسی تاکید کردند. در پایان توافقنامه‌ای توسط طرفین امضاء شد. در این توافقنامه که مضمون اصلی آنرا همان توافقنامه قبلی تشکیل میدهد، بر روی رعایت آزادیهای دموکراتیک و حل اختلافات بشیوه سیاسی و برهیز از درگیریهای نظامی بین حزب کومه له تاکید شده است.

در همین توافقنامه، تماس منظم و تشکیلات در سطح رهبری بمنظور حل مشکلات احتمالی و بحث روی مسائل جاری، منظور شده است.

ما از پیشمرگان و هواداران خود میخواهیم ضمن حفظ هوشیاری، همچون گذشته مفاذ توافقنامه را رعایت نموده به آن احترام بگذارند. همچنین، ما بخصوص از پیشمرگان و هواداران حزب دموکرات میخواهیم نسبت به توافقنامه احساس مسئولیت نموده و در رعایت آن بکوشند.

## پیام دفتر سید عزالدین حسینی به: دفتر سیاسی حزب دموکرات کردستان ایران و هیئت مرکزی سازمان انقلابی زحماتش در کردستان ایران (کومه له)

قبل از آغاز دومین مذاکره، نمایندگان کومه له و حزب دموکرات، دفتر سید عزالدین حسینی پیامی خطاب به دفتر سیاسی حزب و هیئت مرکزی کومه له منتشر کرد که ما بخشهایی از آن را در اینجا نقل میکنیم:

"... همراه با سلام و درودهای انقلابی شروع مجدد مذاکرات شما را در جهت حل سیاسی اختلافات و پایان دادن به درگیریهای تاسف آوریما بین، تبریک میگوئیم و به نوبه خود از ابراز حسن نیت و کوششهای مسئولانه، طرفین تقدیر و سپاسگزاری نموده، توفیقتان را در حل قطعی اختلافات و گام نهادن در مرحله نویینی از توافق و همکاری صمیمانه آرزو مندیم.

چنانکه آگاهید دفتر ما مستأید عزالدین حسینی از بند و برپائی جنبش مقاومت خلق کردهواره برای فراهم کردن امکانات تبادل نظر سیاسی، مذاکره و همکاری میان نیروهای سیاسی کردستان در جهت نیل به اهداف مبارزاتی خلق کرد از هیچ کوششی در بیخ نورزیده است. تشکیل هیئت نمایندگی خلق کرد پس از پیروزی نخستین مرحله جنبش مقاومت همچون یک موفقیت تاریخی، شمره کوششها و همکاریها در آن مرحله از جنبش شما رفته و از پشتیبانی قاطبه مردم کردستان برخوردار گردید."

"... پس از درگیریهای تاسف آورا و ایل اردیبهشت ماه گذشته متاسفانه منجر به شهادت غم انگیز تعدادی از پیشمرگان و مجروح شدن و دستگیری تعداد بیشتری از طرفین گردید، به اینکار دفتر ما مستأید امکانات مناسب جهت شروع مذاکره، طرفین درگیر در سطح رهبری فراهم گردید که خوشبختانه در نتیجه حکمفرمایی فضای حسن نیت با اجرای آتش بس و امضاء توافقنامه ۶۰/۲/۹ انجام مید. این توافقنامه علاوه بر پایان دادن به درگیری نظامی و رفع بخشی از عوارض آن، حاوی نکات مهمی است که همواره از طرف ما مستأید تاکید و تبلیغ گردیده است. تاکید طرفین بر لزوم رعایت آزادیهای دموکراتیک، عدم تعرض نظامی به یکدیگر و حل اختلافات فیما بین از راههای سیاسی و ضرورت ادامه مذاکره و تبادل نظر سیاسی در سطح رهبری، دست آورد مهمی برای پیشبرده مبارزات حق طلبانه، خلق کرده در مرحله کنونی میباشد.

اما علیرغم توفیقات اولیه، ادامه درگیری در منطقه

## هریوان

۶۰/۳/۲ - ساعت ۷ بعد از ظهر  
 هنگامیکه پیشمرگان کومه له عازم روستای "توه سوران" بودند در نزدیکی بیهای روستای "گه ویله" با نیروهای جاش و پاسدار درگیر شدند، طی این نبرد نفرمانان که بیش از یک ساعت بطول انجامید، پیشمرگان کومه له نیروهای دشمن را بسمت چناره، مقر آنها عقب رانندند. لازم به تذکر است که تعدادی از پیشمرگان حزب در روستای گه ویله بودند و نیروهای دشمن از یک ساعت قبل از آغاز نبرد، در اطراف روستای مزبور به کمین نشسته بودند، تا پس از تاریکی هوای پیشمرگان حزب را مورد تعرض قرار دهند.

پس از این نبرد، پیشمرگان ما به روستای توه سوران رفتند، لیکن پیشمرگان حزب در روستای "گه ویله" باقی ماندند، صبح فردای آن روز یک ستون از پاسداران و جاشها مجدداً روستای "گه ویله" را محاصره نمودند. پیشمرگان حزب بعد از اطمینان از محاصره روستا، بسمت روستای توه سوران عقب نشینی کردند. پیشمرگان کومه له که در روستای توه سوران بودند، بعد از آنکه در جریان امر قرار گرفتند، بلافاصله بسمت روستای "گه ویله" حرکت کردند و پس از مستقر شدن در ارتفاعات اطراف روستا دشمن را مورد حمله قرار داده و مانع از پیشروی آنها به سوی "توه سوران" شدند. پیشمرگان کومه له به تدریج مواضع را از دست دشمن درآوردند.

در پایان این نبرد که مدت ساعت طول کشید، دشمن خسته و سراسیمه یک بار دیگر به سمت "چناره" عقب نشینی نموده

در این نبرد تعدادی از نیروهای دشمن کشته و زخمی شدند که از رتبه دقیق آنها اطلاعی در دست نیست. بالاخره پیشمرگان کومه له، وارد روستای گه ویله شدند و مورد استقبال پرشور و گرم اهالی قرار گرفتند.

سودشت، این حقیقت را روشن ساخت که بدون ریشه یابی اختلافات و حل قطعی آنها، تنها با مرهم حسن نیت نمیتوان جراحات موجود را درمان کرد. اختلافات جزئی که زمینه درگیریهای بی دریبی را فراهم میسازد ریشه در اختلافات اساسی بر سر مسائل مبرم جنبش دارند. رسیدن به اصل عدم تعرض نظامی توفیق مهمی است اما واقعیت اینست که این امر تنها راهگشای پیشرفتهای آتی است و برای ادامه آن باید گامهای بیشتری برداشته شود. اینک ما با دو سلسله مسائل در کردستان روبرو هستیم: اول مسائل مربوط به رعایت دمکراسی در کردستان، دوم مسائل مربوط به مقاومت عادلانه در برابر هجوم نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی و از این طریق تحمیل آنچنان راه حل سیاسی به رژیم حاکم که متضمن تحقق خواسته های مشروع ملی خلق کرد باشد. خواه مسائل نوع اول و خواه مسائل نوع دوم بدون همکاری نیروهای سیاسی فعال در جنبش مقاومت بسوی پیشرفت و پیروزی نخواهد رفت و این همکاری جزا راه مذاکره و تبادل نظرهای سیاسی امکان پذیر نیست.

بنا بر این باید تا سه و گسترش مذاکرات را جا نشین ادامه و توسعه درگیریها کرد. باید از اجرای توافقنامه مورد پایان دادن به درگیری فرا تر رفت و به تفا هم و اتحاد عمل بر سر مسائل مبرم جنبش اندیشید و ترتیبات عملی مشخصی را برای اداره و هدایت حال و آینده جنبش مقرر داشت ...

"... باید دمکراسی را از قالب نظرات خیر خواهان و عبارات - پردازیها بیرون آورده، بسوی اصول اجوائی مورد توافق و التزام نیروهای سیاسی کردستان سوق داد و با احترام به نکات مورد توافق و خودداری از ایزاد فشا ریهوا داران یکدیگر محیط مساعدی برای رشد و گسترش مبارزات عادلانه، خلق کرد فرا هم آورد. باید اصل تحمل بینشهای سیاسی و ایدئولوژیک متفاوت را به آورد. باید اصل تحمل بینشهای سیاسی و ایدئولوژیک را به مثابه یک سنت انقلابی بی ریزی کرد و همچون خونیهای شهدا و دستاورد قیام بهمن ما و جنبش مقاومت خلق کرد به آن روح نهاد. دفتر ما موسسات سید عزالدین حسینی بعنوان یک نیروی سیاسی فعال در جنبش مقاومت خلق کرد با احساس مسئولیت خاص در شرایط کنونی و با توجه به مواضع یاد شده، مسئولیت خطیر خود و دیگر نیروهای سیاسی کردستان بخصوص حزب دمکرات کردستان ایران و سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران (کومه له) را خاطر نشان کرده و در باره عواقب سوء هرگونه بی توجهی و عدم احساس مسئولیت در این زمینه اکیدا هشدار میدهد. همچنین از قاطبه مردم کردستان انتظار دارد که با احساس مسئولیت هر چه بیشتر در جهت تحقق هماهنگی و اتحاد عمل در صفوف جنبش مقاومت خلق کرد فعالانه مبارزه کنند ..."

بکشیم تا جنبش مقاومت خلق کرد را با ببط  
 دموکراسی احکام کنیم

# انگاس نبرو کیلانه در سنج

همچنانکه در شماره قبل (۱۲۶) خبرنا مه به اطلاعاتان رساندیم در روز ۵/۳/۵۰ سرد قهرمانانه پیشمرگان کومه له، تعرض گسترده نیروهای سرکوبگر رژیم را به "کیلانه" و روستاهای اطراف آن در هم شکست که در جریان آن تعدادی از نیروهای دشمن از جمله مسئول عملیاتی سپاه پاسداران سنج - بهلاکت رسیدند. از آنجا که کیلانه از شهر سنج فاصله چندانی ندارد از همان آغاز نبرد، مردم شهسوار ما جز مطلع شدند، گزارشی را که در زیر میخوانید ابتدا نمکس نبرد را در شهر نشان میدهد. این گزارش توسط یکی از هواداران کومه له - نوشته شده و ما عیناً آنرا نقل میکنیم:

امروز سه شنبه است. صبح که از منزل بیرون آمدم، توی خیابان حسن آبا مردم را نگران دیدم. حتماً حادثه‌ای رخ داده است. به اولین آشنا میرسم و میپرسم: چه خبر؟ میگوید درگیری شده، میخندم و با اطمینان میگویم: اینک نگرانی ندارد، پیشمرگان حاضر و هوشیارند. همه را در نگرانی میبینم.

زن و مرد در جلودگان... جمع شده اند، پدران و مادران پیشمرگها هستند. چند نفری مرا میشناختند و با نگرانی میپرسند: چه خبر از کیلانه؟ جلومیروم، با خونسردی میگویم مگر بقدرت فرزندان خود اطمینان ندارند چیز مهمی نیست، تا حالا خیلی از این ستونها رفته اند و در هم شکسته شده اند. دور هم جمع میشوند.

دلیم میخواهد بزیان صحبت کنم. آهسته شروع میکنم: نگرانی چه معنی دارد؟ خوب مسلم است رژیم برای درهم شکستن جنبش مقاومت لشکرکشی میکند. اما خودتسان میدانی که پیشمرگان بازها امتحان

# جاودان باد خاطره پیشمرگ شهید کومه له کاک فاروق دهقانی.



کاک فاروق در سال ۱۳۴۱ در روستای "کاشی کبود" در یک خانواده زحمتکش بدنیا آمد. از کودکی با کار و زحمت روستا آشنا شد و هم‌دوش پدر و دیگر اعضای خانواده رنج و فلاکت زحمتکشان روستا را از نزدیک لمس کرد. با پایان تحصیلات را در سال اول راهنمایی ادامه داد و بلاخره به علت فقر خانواده از ادامه تحصیل دست کشید و دو راهی شهرهای دور دست ایران شد. کاک فاروق در مبارزات بی‌امان توده‌های زحمتکش ایران علیه رژیم سفاک پهلوی و حامیان آن فعالانه و بی‌شور و شوق انقلابی شرکت میکرد. سپس از روی کار آمدن رژیم حاکم فعلی نیز مبارزه خود را با مرتجعین و استعمارگران ادامه داد و به موازات آن در جهت ارتقاء آگاهی سیاسی و طبقاتی خود و دیگران میکوشید. در جریان جنبش مقاومت اول شهید فاروق یکی از اعضای فعال کانون کارگران بی‌کار رسق بود و بعنوان نماینده در کانون برگزیده شد و فعالیت خود را در میان کارگرانیکه تحت برتا مه‌های عوام فریبانه جها دسا زندگی کار میکردند ادامه داد و در این رابطه بدون هیچگونه سازشکاری و با قاطعیت انقلابی موضع خائنه توادد ایها دشمنان طبقه کارگر را افشا میکرد. بعد از یورش مجدد در بهار ۵۹ وارد وکشی حامیان جهل و سرمایه برای سرکوب دمکراسی و نیروهای انقلابی کاک فاروق به صفوف پیشمرگان کومه له پیوست.

سرانجام در روز ۲۷/۷/۵۹ در یک درگیری نا برابر با ارتش و پاسداران در مسیر جاده سقز - بانه (در محل پل سیاه در کهنه) پس از مقاومت قهرمانانه زخمی و به اسارت مزدوران رژیم جمهوری اسلامی درمیآید. در مدت زندان با وجود شکنجه‌های طاقت فرسا آنچنان مقاومت و ایمان از خود نشان داد که در حینمان نتوانستند لیان را از دارش را بگشایند. کاک فاروق در شرایط سخت شکنجه غریب‌آوردگی من "پیشمرگ کومه له و طبقه کارگر هستم و به آن افتخار میکنم". و بلاخره رژیم جمهوری اسلامی وی را اعدام مینماید. اعدام نا جوان مردانه کاک فاروق که ماهها رنج، جراحت و زندان و شکنجه را تحمل کرده بود و روح سیاه دیگری به کارنامه ددمنشهای رژیم حاکم افزود. آنها حتی خیر اعدام وی را به خانواده او تسلیر اطلاع نداده بودند. خون سرخ کاک فاروق و دیگر شهیدای راه مسازره طبقه کارگر و پرچم خونین مبارزات توده‌های زحمتکش را برافراشته تر خواهد کرد و رفقا پیش پیمان مجدد میبندند که راه انقلابی و راتنا پیروزی کارگران و دیگر زحمتکشان ادامه دهند.



جاودان باد خاطرہ

ریٹازی کو صملہ

پیشمرگ شہید کومہ لہ

کاک فاروق دھقانی



خود را داده و سر بلند از آزمونایش بیرون آمده اند. تازه این چیزی نیست. ستونهای تادندان مسلح را بیاد بیاورید که با مشت قدرتمند و اراده، خلق پوزه شان به خاک مالیده شده است. مطمئن باشید این بار نیز کومه له قا در است که این ستون را درهم بشکند. آنها آرام میگیرند. داخل شهر میشوند. هنر زهمه مردم کا ملا از جریان با غیر نشده اند. خیرا پخش میکنم، به رفتای مبارز خبر میدهم و آنها تمام شهر را مطلع میمانند. جاشها خورشید اند. بیشتر آنان توی شهر راه افتاده اند. از پیروزی قریب - الوقوع قوای جاش و پاشها خبر میدهند. مردم فقط پوز خنده میزنند مردم میدانند که جاشها - مثل آدمکهای بادکنکی با یک نیش سوزن میترکند.

حال دیگر همه فهمیده اند. خیابان حسن آباد محل کسب خیر است. این خیابان از هوروز شلوغ تر است. نزدیکیهای ظهر اولین خبر پیروزی، چهره ها را شاد میکند. خیرا نیست که دو ماشین پرازا جاس دوز خمیهای جاش و پاشها در برگشته. ز نهادستان را برای دعا بلند میکنند جوانان نمیتوانند احساس خود را بیوشانند هورا میکشد! یک ماشین گشتی پاسدار ویرا زمیدهد و سر میرسد. مردم ظاهرا پراکنده میشوند. حالا زهم مرتب خبر میرسد. میگویند جاشها و پاسداران بمحاصره افتاده اند. میگویند که هلیکوپترها منطقه را زیر و کباب روراکت گرفته اند. ما خوددای آنها را میشتویم. از نهوه خانه... خبر میاورند که جاشها و پاسداران کشته زیاد داده اند بمیدان اقبال میروم. آنجا نیز مردم جمع شده و حرف میزنند. یک درجه دار ارتشی برای مردم حرف میزند: تا حالا چه رنفر کشته شده اند این خبر مردم را شاد میکند.

مردم شهر برای روستاها نیز نگرانند. در تمام شهر سخن از نبرد قهرمانان در کیلان است. مردم میدانند که هم اکنون نبردی جانانه در آنجا جریان دارد. مردم بسنه فرزندان انقلابی خود اطمینان دارند اما باز هم نگرانند. عمراست که ستون درهم شکسته باز میگردد. چند خودرو ارتشی را بوکسل کرده اند. جاشها و پاشها را با لب و لوجه های آویخته و سرهای افکنده... خجلت زده... این است آن لحظه! شادی و پیروزی برای مردم! مردم شهر خوشحالند و بهم تبریک میگویند. مردم با تمسخر جاشها و پاشها را - با نگاههایی که در آن نفرت نهفته است - بدرقه میکنند. اخبار صحیح میرسد: ۸ نفر از آنها کشته شده است. البته شایعه! و کشته و ۲۰ زخمی است. باز هم مردم نگران سلامتی پیشمرگان اند. تا اینکه بالاخره خبر سلامتی پیشمرگان میرسد. عمرا جاسد تن از کشته شدگان را از مسجد جامع تشییع میکنند و با زور اسلحه و تهدید و ارعاب با زار را تعطیل میکنند.

### تظاهرات دختران انقلابی سغدج در زیر کلبا پاسداران

۶۰/۳/۶ - بمناسبت آخرین روز سال تحصیلی، دختران دبیرستان هشتم سفند، در حیاط دبیرستان اجتماع کرده و شروع به دادن شعارهای انقلابی نمودند. هنگامیکه جاشها و پاسداران سر رسیدند دختران انقلابی یکبارچه شعارهای مرگ بر امپریالیسم مرگ بر ارتجاع، زنده باد حبس، مقاومت خلق کرد، بزی هیبتی، زنده باد پیشمرگان، عاقبت دشمن مرگ است ( میدادند. پاسداران و جاشها یکی از دختران را دستگیر کردند اما در اثر مقاومت دستجمعی

دختران مبارزان را چار شدند و آزاد نمایند. دختران انقلابی - در حالیکه در محاصره جاشها و پاسداران بودند - تظاهرات خود را ادامه دادند... سگوبیگران که خود را از ملامتی کردن تظاهرات ناسوان دیدند، به آخرین حربه همیشه خود یعنی تیراندازی و پرتاب گار اتمک آورد دست زدند. حتی اینکار نیز مانع از ادامه تظاهرات شد. دختران انقلابی از مدرسه بیرون ریخته و در کوجه های اطراف پراکنده تظاهرات و راهپیمایی پرداختند. با استقبال مردم روبرو شدند. در حین درگیری یکی از دختران به ضرب گلوله پاسداران مجروح و عده ای دستگیر شدند.

### باز هم جنایات رژیم در مهاباد.

۶۰/۳/۹ - ساعت ۹ صبح جاشها و پاسداران یکی از تپه های روبروی روستای "ایندر قاش" را - در مسیر جاده مهاباد - ارومیه، به کنترل خود درآوردند و چند دستگاه تانکو توپ و خمپاره را در آنجا مستقر کردند. پیرمرد زحمتکشی بنام موفی محمد خالندی (۸۰ ساله) و دختر ۱۸ ساله اش بنام زبیده، خالندی مشغول سمپاشی باغ بودند که پاسداران و جاشها باغ را با توپ و کالیبر ۷۵ به گلوله بستند. در نتیجه پیرمرد و دختر جوانش هر دو شهادت رسیدند. دختر جوان، زبیده خالندی که هوادار کومه له بود، مورد اصابت گلوله توپ قرار گرفت و بدنش قطعه قطعه شد. در داخل شهر مهاباد نیز جاشها و پاسداران امنیت را از مردم سلب کرده اند. تا جاشیکه حتی کودکان نیز برای بازی کردن در کوجه امنیت ندارند. زیرا مواردی دیده شده است که کودکان



گوشه ای از تظاهرات کلمن

را هنگام توپ بازی به رگبار کالبر ۵۵ گرفته و آنرا شهید و زخمی نموده اند . اینست آن " امنیت " ی که رژیم جمهوری اسلامی میخواهد در کردستان برقرار نماید ، امنیتی که در آن از کودکان گرفته تا پیرمردان ، هیچکس احساس امنیت نمیکند و هر لحظه منتظر شهادت خود و دوستان خویش اند . رژیم میخواهد با استقرار چنین امنیتی ، برای سرمایه داران و زمینداران محیط " امن " بوجود آورد ! لیکن باید مطمئن باش که پیشمرگان انقلابی بنفش مقاومت و زحمتکشان کردستان همراه با کارگران و دیگر زحمتکشان ایران عرصه را بر این محیط " امن " تنگ نموده و آنرا خواهند شکست .

## شرکت هواداران کومه له در مراسم اول ماه مه در کلن « آلمان غربی »

خواننده میشده یکی از جالب ترین برنامه های این شب تئاتر " بنکه " بود که با همکاری رفقای هواداران برگزار شده این تئاتر در چهار قسمت روی صحنه رفت و محتوای آن شامل فعالیت توده ها در بنکه و نقش بنکه و ضمناً " نمایش یک دادگاه خلقی برای محاکمه " یک جاش و یک دادگاه ضد خلقی برای محاکمه " یک پیشمرگ قهرمان بوده سپس فیلمی درباره " تمرینات نظامی پیشمرگان کومه له و صحنه هایی از کارهای یک دهه ( بمدت ۴۰ دقیقه ) نمایش داده شده در پایان صحنه هایی از کشتار قارنا و قه لاتان و سایر مناطق کردستان نشان داده شده در برنامه " شب کردستان " ، نمایشگاه عکس کردستان نیز به تماشا گذاشته شده بوده

این راه پیمایی آمده بودند که در همانجا توسط نیروهای انقلابی افشاء گردیدند . قبل از اول ماه مه هواداران سازمان ما با همکاری هواداران سازمان پیکار برنا مه ای افشاء گرانه بنام " شب کردستان " در این شهر اجرا کردند . شب کردستان با سرود تترنایونیا آغاز شد سپس یکی از هواداران کومه له شعر کردستان و وطن میزاست را دکلمه نمود . بعد مقاله " کردستان " توسط یکی از هواداران قرائت گردیده سرودهای پارتیزان ، همبستگی ( بزبان ترکی ) ، ای رقیب ، خلق ترکمن و پیشمرگ در خلال برنامه

هواداران کومه له در کلن همراه با هواداران سازمان پیکار و چریکهای اقلیت بمناسبت اول ماه مه - روز همبستگی جهانی کارگران - راهپیمایی و متینک برپا داشتند . راهپیمایی و متینک با دادن شعارها انقلابی توانم بود که در فواصل آن سرودهای انترناسیونال و ای رقیب خواننده میشده . متینک سه ساعت بطول انجامید و طی آن هواداران کومه له دو علامیه - یکی در مورد واقع ایران و جنبش مقاومت خلق کرد و دیگری در مورد اول ماه مه - بین شرکت کنندگان پخش کردند . طرفداران رویزیونیسم و خوشحالی و سه جبهه ها به تماشای



## گرامی باد سالگرد شهادت ۵ تن از پیشمرگان انقلابی کومه‌له که در درگیریهای خلیجیان سنج، شهادت رسیدند .

در هشتم خرداد ماه سال گذشته ، نبرد سختی بین پیشمرگان کومه‌له ( لقی شهید سعید ) و نیروهای سرکوبگر ، در کوههای خلیجیان بوقوع پیوست . در این نبرد ۵ تن از پیشمرگان ما شهید و ۸ تن مفقود شدند که ۳ نفر آنان بعد از مدتی توانستند خود را به رفقایشان برسانند . لیکن در آن زمان نتوانستیم از سرنوشت ۵ تن دیگر اطلاعی حاصل کنیم و به تحقیق پرداختیم . در نتیجه تلاشهای سازمان آشکار شد که متأسفانه این رفقا - هنگامیکه از پیشمرگان جدا میشوند - توسط نیروهای رژیم محاصره شده و بعد از مقاومتی قهرمانانه ۵ تن از آنان بشهادت میرسند و جنازه آنها بدست جاشها و پاسداران می افتد . اکنون به مناسبت آغاز نخستین سالگرد شهادتشان به شرح گوشه‌هایی از زندگی و مبارزات آنان می پردازیم .

### شهید کاک ابراهیم خدامرادی

کاک ابراهیم در سال ۱۳۲۷ در خانواده تنگدستی در سنندج بدنیآ آمد . و بعد از سال تحصیل ناگهانی شد ترک تحصیل کند و به کار رگری بپردازد . او مدتی شاگرد ناواو مدت ۱۰ سال شاگرد راننده بود . سرپرستی خانواده تنگدستی کاک ابراهیم را از وظیفه انقلابیش باز نداشت . و در خیزش سراسری مردم ایران علیه رژیم شاه و قیام ۲۲ بهمن فعالانه شرکت کرد و چندین بار زندانی شد . در جریان نوزدهم خونین سنندج و مقاومت حماسه‌ای سنندج در بهار گذشته ، نقش انقلابی خود را ایفا نمود و در امور تدارکاتی ، رساندن زخمیها به بیمارستان و سنگریبندی خیابانی شرکت کرد . پس از تصرف شهر بوسیله نیروهای سرکوبگر به صف پیشمرگان کومه‌له پیوست .

### شهید کاک علی ترکیبی اعلی شوان

کاک علی بیال ۱۳۲۷ در یکی از خانواده‌های متوسط دیواندره بدنیآ آمد . در ۸ سالگی همسراه خانواده‌اش به سنندج آمد و به تحصیل پرداخت . ولی به علت فقر فقط تا کلاس سوم ابتدائی درس خواند کاک علی برای پیداکردن کار به شهرهای مختلف سفر کرد . دوران سربازی او همزمان بود با اعتراضات گسترده خلقهای ایران بر علیه رژیم مزدور شاه . هنگامیکه کاک علی برای سرکوب تظاهرات " مخنه " بدخل شهر بردند از کشتار مردم امتناع ورزید و از سربازی فرار کرد و بعد از روی کار آمدن رژیم فعلی ، همچنان در صحنه مبارزه حضور پیدا کرد . سرانجام در صف پیشمرگان کومه‌له شهید شد .

### شهید کاک عثمان زندی

شهید کاک عثمان زندی در سال ۱۳۲۷ در شهر سنندج در خانواده‌ای زحمتکش دیده به جهان گشود . در دوران تحصیلات ابتدائی پدرش را از دست داد . از آن پس مجبور شد ضمن تحصیل به کار بپردازد . سختیهای زندگی اجازه نداد که شهید عثمان بیش از سال سوم نظری ، به تحصیلات خود ادامه دهد . وی در مبارزات سراسری توده‌های ایران علیه رژیم سفاک پهلوسوی شرکت داشت و بعد از روی کار آمدن رژیم کنونی نیز فعالیت مبارزاتی خود را ادامه داد . شهید عثمان در جنگ تحمیلی نوزدهم سنندج با شور فراوان شرکت کرد . بعد از تصرف شهر سنندج توسط رژیم ، وی به تبلیغ و افشاکگری علیه رژیم پرداخت و بعد از ورود پیشمرگان به شهر در بنگه کاک فواد به فعالیت پرداخت . وی سرانجام به صف پیشمرگان کومه‌له پیوست .

### شهید کاک علی توپچی

کاک علی بیال ۱۳۲۹ در خانواده‌ای متوسط در سنندج بدنیآ آمد و در همانا سال دوم نظریه تحصیل ادامه داد . در مبارزات سراسری توده‌های ایران شرکت داشت . بعد از روی کار آمدن رژیم فعلی ، مبارزات خود را ادامه داد و در جنگ نوزدهم سنندج شرکت داشت . بعد از تسلط ارتجاعی پاسداران و جاشها بر سنندج ، به تبلیغ و افشاکگری علیه سیاستهای سرکوبگرانه رژیم پرداخت و پیشمرگان را از نظر سرکارهای تدارکاتی یاری مینمود . پس از ورود پیشمرگان به شهر ابتدا در بنگه کاک فواد بیمارزده خود ادامه داد و بعداً به صف پیشمرگان کومه‌له پیوست .

شهید کاک اسد پرتونوری

شهید اسد پرتونوری در خانوادۀ ای کارگری در شهر سنندج به دنیا آمد. تحصیلات خود را تا سال چهارم متوسطه در زادگاهش ادا نموده. در سالهای تحصیل، شهید اسد تا بیست و نه ماهه شاگردی در دکانهائی می‌پرداخت که به علت فقر خانواده تحصیل را رها کرد و به کارگری روی آورد. در همین رابطه بود که با مشکلات کارگران بیشتر آشنا شد و روحیه مبارزاتش کم‌کم شکل گرفت.

در مبارزات قبل از قیام فعالانه شرکت کرد. بعد از روی کار آمدن رژیم فعلی، مبارزات خود را همچنان ادامه داد. شهید اسد در جنگ تحمیلی نوروز خونین سنندج فعالانه شرکت کرد.

پس از فرمان هجوم خمینی در ۲۸ مرداد ۵۸ و تصرف شهرهای کردستان بوسیله ارتش و پاسداران همراه با عده‌ای از رفقای خود به تبلیغ و افشای گری علیه رژیم دست زد. پس از ورود پیشمرگان به شهرها، در بنکۀ کاک قوای بمباران ادامه داد. وی در جریان مقاومت تاریخی ۲۲ روزه سنندج، در امتداد رکات، سنگربندی و دفاع مسلحانه در نقاط مختلف شهر، شرکت فعال داشت. شهید اسد پس از تصرف شهرها بوسیله نیروهای سرکوبگر به صف پیشمرگان کومه‌له پیوست.



گراهی باد خاخره شهید  
کاک حسین سهرابی

رفیق شهید، کاک حسین سهرابی، کارگر انقلابی و هوادار تشکیلاتی کومه‌له که در تاریخ ۶۰/۳/۳ پس از درگیریهای ایندراش، توسط پاسداران به شهادت رسید. سال ۱۳۴۲ در یکی از خانواده‌های زحمتکش روستای قم‌قلعه (مهاباد) دیده به جهان گشوده. از همان اوان کودکی با فقر آشنا شد. تحصیلات خود را تا سوم راهنمایی در زادگاهش ادامه داد، لیکن به علت شدت فقر خانواده از تحصیل دست کشید و در کوره‌پزخانه‌ها و شرکت‌های ساختمانی به کارگری پرداخت. در سالهای ۵۶ و ۵۷ فعالانه در مبارزات توده‌ها شرکت جست. بعد از قیام وی با کومه‌له آشنا شد. کاک حسین در بردن نشریات و خبرنامه کومه‌له بمباران کارگران کوره‌پزخانه‌های مهاباد و تبلیغ میان آنان نقش فعالی داشت و همیشه سعی میکرد مبارزات کارگران را سازماندهی نموده و ارتقا دهد. رفیق شهید، علاوه بر کوره‌پزخانه‌ها، خبرنامه‌های کومه‌له را در دهات منطقه شایروران (مهاباد) نیز پخش میکرد و یکبار در فروردین ۱۳۵۷، در حین پخش خبرنامه و بجرم آن - توسط افراد مسلح حزب دمکرات دستگیر شد و با وجود تهدید افراد حزبی او همچنان با پشتکار و دلگرمی به پخش خبرنامه پرداخت. و بالاخره وی هنگامیکه در شرکت کشتارگاه - واقع در نزدیکی ایندراش - کارگری میکرد، با گلوله پاسداران شهید شده.

گراهی باد چهلین روز شهادت پیشمرگان کومه‌له شهید: کاک علی حبیب‌پناه، کاک یوسف حسنخالی و کاک علی کلیجه‌ای که در نبرد تحمیلی حزب دموکرات شهادت رسیدند.

رفیق شهید کاک علی رحیم نژاد در روستای "کلیجه" از توابع مهاباد، در یک خانواده دهقانی به دنیا آمده. تحصیلات خود را تا سال پنجم دبیرستان در شهر مهاباد ادامه داد. کاک علی تا بیست و نه ماهه در مراکز کارگری ایران بکار می‌پرداخت. وی در مبارزات قبل از قیام فعالانه شرکت نموده بعد از روی کار آمدن رژیم کنونی روحیه انقلابیش آرام نگرفت و مستقیماً از کلاس درس به صف پیشمرگان کومه‌له پیوست.



رئیساری و دستگیر

گرامی باد خاطرهُ شهید

کاک حسین سهرابی

در دورانی که پیشمرگ بود، برای رشد آگاهیش فعالانه میکوشیده  
 کاک علی وظایف انقلابی خود را به دقت انجام میداد و در ارتباط با مسایل موضعگیری انقلابی  
 و صریح داشت.

سرانجام در نبرد تحمیلی حزب دمکرات، به شهادت رسید.  
 یادش گرامی و خاطره اش جاودان باد.



رفیق شهید کاک یوسف حسنخالی در سال ۱۳۳۵ در یکی از خانواده های زحمتکش شهرها با دیدن آرزوی  
 بعثت تنگدستی خانواده اش تنها توانست تا کلاس سوم دبیرستان به تحصیلش ادامه دهد. پس از تکمیل  
 تحصیل به کارگری پرداخت و با زندگی و مبارزات کارگران از نزدیک آشنا شد.  
 شهید یوسف، در مبارزات قبل از قیام بهمن ماه فعالانه شرکت کرد و پس از غضب قدرت توسط رژیم  
 فعلی، باز بمبارزه خود ادامه داد. در حمله رژیم جمهوری اسلامی به شهرها باد، همراه مردم مبارز  
 شهر و پیشمرگان، بمقاومت پرداخت.  
 هنگامیکه پیشمرگان به شهر بازگشتند با سازمان ما ارتباط برقرار کرد و با آگاهی سیاسی به یکی  
 از هواداران فعال کومه له تبدیل شده. بعد از یورش دوم رژیم به کردستان، همراه پیشمرگان از شهر  
 خارج شد و به صف پیشمرگان کومه له پیوست.

کاک یوسف برای ارتقاء آگاهی سیاسی خود و همزمانش فعالانه میکوشیده و در انجام فعالیت های  
 انقلابی از استعداد خاص و انرژی فراوانی برخوردار بوده. از سخت ترین ما موریت هیچگاه خسته نمیشد  
 و همواره با روحیه انقلابی به استقبال کارها میرفت. سرانجام در تاریخ ۶۰/۲/۷ هنگامیکه با موتورسیکلت  
 از روستای "عیسی کند" (مهاباد) عبور میکرد توسط افراد مسلح حزب دمکرات دستگیر و اعدام شده.  
 یادش گرامی بسزاده.



شهید علی اکبر حبیب پناه در سال ۱۳۴۰ در یک خانواده شهیدست در شهر مهاباد متولد شد. در او آن  
 کودکی مادرش را از دست داد. تحصیلات دوران ابتدائی و ۲ سال راهنمایی را در مهاباد به پایان  
 رساند و سپس به کانون کارآموزی مهاباد رفت و به فراگیری حرفه مکانیکی پرداخت.  
 در کانون، با مشاهده اهتمام رنجوانان و کارگران، با رنج و ستم طبقاتی از نزدیک آشنا شد. و همراه  
 رفقای مبارزات کانون کارآموزی را با مبارزات توده ها علیه رژیم شاه پیوند داد و آنرا از خواستهای  
 صرفاً صنفی به خواستهای مبارزه سیاسی تبدیل نمودند.

وی در طی جنبش مقاومت اول با پیشمرگان کومه له همکاری نزدیک داشت و ایمان و استواریش در راه  
 ادامه انقلاب وی را در در دوم جنبش مقاومت به صف پیشمرگان کومه له پیوند داد.  
 پیگیری، مهربانی، صمیمیت فراوان و روحیه عالی وی همیشه مشوق همزمانش بوده. خاطرات  
 شیرین این رفیق در اذهان آشنایان وی باقی خواهد ماند.

رفیق علی که در چندین نبرد علیه رژیم جمهوری اسلامی قهرمانانه جنگیده بود، سرانجام در نبرد  
 نابرابر، در یورش و محاصره افراد مسلح حزب دمکرات در تیکا نلوجه به شهادت رسید.

یادش را گرامی بدریسم.

هم میهنان مبارز!

نیروهای انقلابی!

برای گسترش فعالیت های انقلابی خود به کمک های مالی

و تدارکاتی شما نیازمندیم.

ما را در این امر یاری دهید.